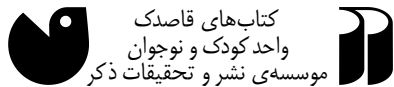


به نام خدای مهربان

هنری پنجم

داستان‌های شکسپیر برای نوجوانان

نویسنده: شکسپیر
بازنویشته‌ی اندرو ماتیوز
ترجمه‌ی جواد ثابت‌نژاد
تصویرگر: تونی راس



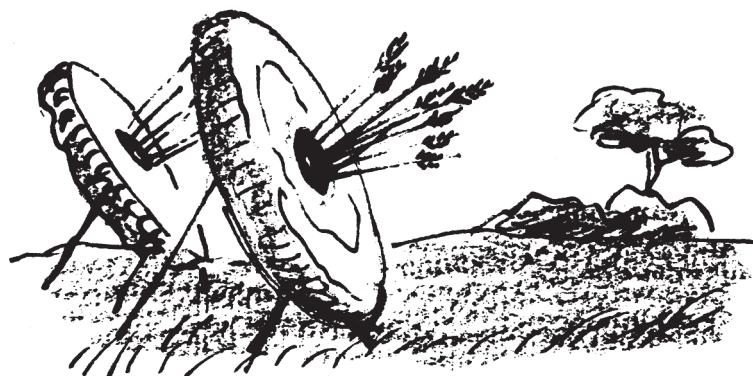
فهرست

۴	گروه بازیگران
۷	هنری پنجم
۶۰	وطن پرستی هنری پنجم
۶۲	شکسپیر و تئاتر کلوب



هنری پنجم ویلیام شکسپیر

ترجمه‌ی جواد ثابت‌نژاد
ویراستار: پریسا همایون‌روز
طرح روی جلد: کیانوش غریب‌پور
صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سیدمهدی مظلوم - علی تاجیک)
کد: ۸۹/۳۳۲
چاپ و صحافی: قدیانی
چاپ دوم: ۱۳۹۲ • تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۳۴۱-۱
کلیه‌ی حقوق محفوظ است.



سرشناسه: شکسپیر، ویلیام، ۱۵۶۴ - ۱۶۱۶ م Shekespear, Willam
عنوان و نام پدیدآور: هنری پنجم: داستان‌های شکسپیر برای نوجوانان
نویسنده شکسپیر؛ بازنویسی اندرو ماتیوز؛ (تصویرگر تونی راس)؛ ترجمه‌ی جواد ثابت‌نژاد.
مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک. مشخصات ظاهری: ۶۴ ص. مصور
شابک: ۱-۳۴۱-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸ / وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Henry V : a shekespeare story, ۲۰۰۲.
موضوع: نمایشنامه انگلیسی - قرن ۱۶ م.
شناسه افزوده: راس، تونی، ۱۹۳۸ م، تصویرگر Ross, Tony
شناسه افزوده: ثابت‌نژاد، جواد، ۱۳۴۰، مترجم
رده‌بندی کنگره: PZ
رده‌بندی دیویی: ۸۲۲/۹۱۴
شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۹۷۹۵۴

گروه بازیگران



مایکل ویلیامز
سرباز ارتش شاه



سفیر فرانسه



قاصد فرانسه



دوک اکستر
عموی شاه



شاه هنری پنجم



کنت کمبریج
توطئه‌گری علیه شاه

صحنه
انگلستان و فرانسه قرن پانزدهم

هنری پنجم



تو را می بینم که مانند سگ تازی افسار شده ای
ایستاده ای و برای حمله تقلا می کنی. نمایش شروع
می شود. روح را دنبال کن و با شروع حمله فریاد بزن:
خدا به همراه هری، انگلستان و جرج مقدس!

شاه هنری

کسانی که شاه جدید را «هنری» می نامیدند، خیلی کم بودند. هر کسی می خواست راجع به او صحبت کند، از «هال» یا «هنری» یا یکی دیگر از اسم های خودمانی استفاده می کرد. همگان می دانستند که شاه جوان چه نوجوان وحشی و شروری بوده است.

هری بیشتر وقت‌ها به
جای آن‌که کنار پدر
شاهش باشد، کنار
سرجان فالستاف پیر و
حقه‌باز بود و کارهای



خلاف آموخته بود. هری جوان و بی‌باک، دیگر شاه شده
بود، ولی کسی نمی‌دانست او چگونه شاهی خواهد بود.
برخی تصور می‌کردند که او برای کشور مصیبتی است.
دیگران می‌گفتند که زمان باید در این مورد قضاوت کند.
ولی آن‌چه همگان
قبول داشتند این بود که
شاه جوان و هم‌چنین
سلطنت انگلستان
دوران سختی را
پیش‌رو داشت.



انگلستان و فرانسه به مدت بیست و پنج سال در حال
جنگ بودند. گرچه دو کشور با آتش بس موافقت کرده
بودند، ولی آتش بس بی‌ثبات به نظر می‌رسید. شاه
ضعیفی در انگلیس که از حمایت مردمش برخوردار
نبود، می‌توانست به فرانسه امکان دهد تا اقدام به
حمله‌ای موفق نماید...



طولی نکشید که او پاسخ سؤالش را فهمید. زیرا درست همان موقع، درهای تالار بزرگ باز شدند و سفیر دوفن، شاهزاده‌ی فرانسه وارد شد. سفیر شخصی خوش تیپ و عطر زده با ریش مجعد بود که لباس روشنی شبیه پر طاووس پوشیده بود. پشت سر او دو نگهبان صندوق چوبی بزرگی را حمل می‌کردند. آن‌ها صندوق را روی زمین گذاشتند.



مدت کوتاهی بعد از تاجگذاری هنری، یک روز صبح، اعیان شورای عالی در تالار پذیرش کاخ سلطنتی در لندن جمع شدند. یکی از آنان دوک اکستر، عموی شاه، بود. او می‌دانست که هنری با بزرگ‌ترین آزمایش دوران حکومتش دست به گریبان است. اکستر با خود اندیشید: «چقدر روی تخت سلطنتی

جوان و تنها به نظر می‌رسد.

مثل مادرش موی

سیاه و چشمانی

رئوف دارد.

ولی نمی‌دانم از

شجاعت پدرش

هم چیزی به ارث

برده یا نه؟»



سفیر تعظیم پر طمطراقی کرد و با صدایی آرام گفت:
«والا حضرت! سرور من، دوفن، سلام رسانده‌اند.»



هنری با سردی پاسخ داد: «من بیش از سلام
می‌خواهم. من از شاه چارلز خواستم تا سرزمین‌هایی از
فرانسه را که پدرم از او گرفته بود، به ما برگرداند. پاسخ او
چیست؟»

سفیر انگشتانش را داخل
ریش مجعدش کرد و
نیشخندی زد و گفت:
«شاه سرگرم اموری
مهم‌اند. والا حضرت
گمان می‌کنند از آن‌جا
که دوفن از نظر سنی به



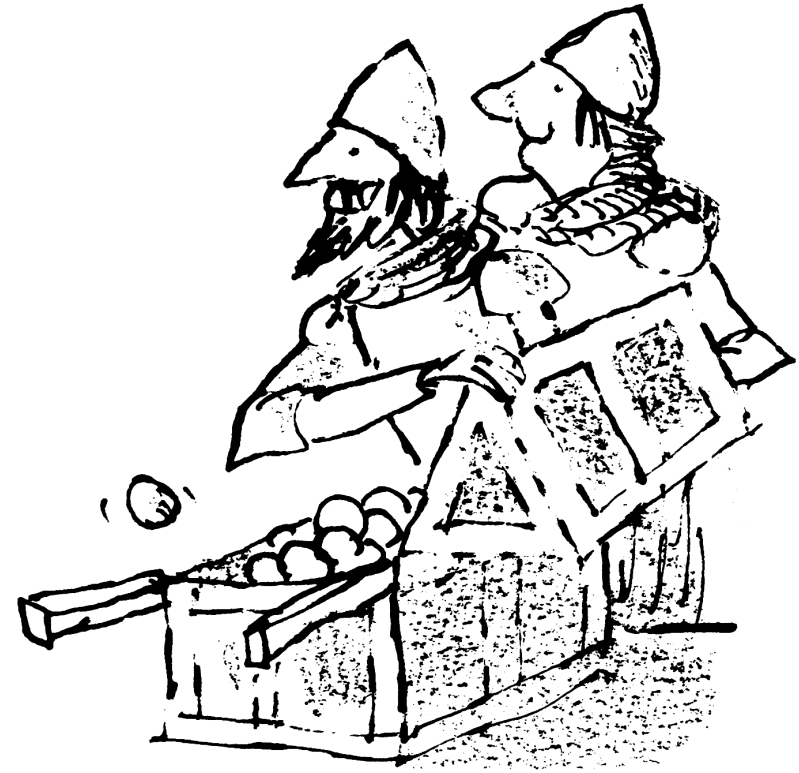
شما نزدیک‌ترند، بهتر است ایشان به درخواست شما
رسیدگی کنند.»

هنری احساس کرد
که در لحن صدای
سفیر گستاخ‌کمی
نگرانی وجود داشت،
ولی صدایش آرام بود.
شاه پرسید:
«پیام دوفن چیست؟»





سفیر بشکنی زد و نگهبان‌ها در صندوق را باز کردند.
صندوق پر از توپ تنیس بود. یکی از آن‌ها از صندوق
بیرون افتاد و تا پای تخت هنری قل خورد.



سفیر با اشاره به صندوق چوبی گفت: «دوفن معتقدند که
شما جوان‌تر از آن هستید که خود را با امور مملکتی
بیازارید. لذا هدیه‌ای فرستاده‌اند که گمان می‌کنند از
سلطه بر دوک‌نشین فرانسه مناسب‌تر است.»